بسم الله الرحمن الرحيم

طراحی برنامه آموزشی در حوزه سلامت

طراحی برنامه های آموزشی در حوزه سلامت

یک برنامه آموزشی در حوزه سلامت، زمانی اثربخش خواهد بود که بر اساس یک برنامه آموزشی به اهداف مورد نظر خود برسد. با استفاده از این فرایند تعریف شده است که برنامه ریزان آموزشی می توانند پس از تعیین و اولویت بندی نیازها، اهداف یادگیری تدوین کنند، محتوای آموزشی تهیه نمایند و روش ها و شیوه های آموزشی انتخاب نمایند.

این فصل با هدف آشنا کردن شرکت کنندگان با اصول علمی و مراحل طراحی برنامه آموزشی در برنامه های آموزش سلامت طراحی شده است تا آنان بتوانند با کمک مطالب علمی ارایه شده در این کارگاه، برنامه های آموزشی مرتبط با مشکلات آموزش سلامت منطقه خود طراحی کنند.

اصطلاحات و مفاهيم پايه در طراحي يک برنامه آموزشي

- **طراحی آموزشي (Educational Planning):** فرايندي است که در زمان آماده سازی يك فعاليت آموزشي طي مي شود. وجود يک چارچوب مشخص و نظام مند برای براي تنظيم اهداف يادگيري، تهيه محتواي آموزشي و انتخاب روش هاي آموزشي مناسب، تصميم گيري در مورد آنچه که قرار است در طی يک فعاليت آموزشی به دست آيد و نحوه به دست آوردن آن را امکان پذير می سازد.

مراحل یک برنامه ریزی آموزشی

بعد از شناسايي و اولويت بندی نيازهای آموزشی که در بخش قبل به تفصيل به آن پرداخته شد، ساير مراحل طراحي يک برنامه آموزشي به ترتيب زير خواهد بود:

- تعيين اهداف آموزشي
- تحليل آموزشي
- انتخاب و سازماندهي محتواي آموزشي
- تعيين الگوهاي آموزش و تدريس
- انتخاب روش ها و تكنيك هاي آموزشي

مرحله اول: تعيين اهداف آموزشي

بدون تعیین اهداف آموزشی در یک برنامه ریزی آموزشی، نمی توان مشخص کرد که قرار است کجا برویم و به چه دست پیدا کنیم. تعیین اهداف آموزشي باعث می شود تا:

- مسیر و جهت حرکت در یک برنامه آموزشی به آسانی مشخص شود.
- به عنوان راهنمايي در مراحل تعیین و تدوین محتواي آموزشي مورد استفاده قرار گیرد.
- روش ها و شیوه های آموزشی مناسب انتخاب شود.
- به انتخاب مواد و وسایل مناسب در فعالیت های آموزشي کمک شود.
- ارزشیابی برنامه به شکلی درست و منطقی طراحی و اجرا شود.

- سه منبع عمده تعيين اهداف آموزشي عبارتند از: نياز فراگيران، نياز جامعه و نظرات و ديدگاه هاي متخصصان كه در بخش اول اين مجموعه (كتاب نيازسنجی آموزشی) آمده است.
- **اهداف آموزشی كلي (General Instructional Objective- GIO)**
- اين دسته از اهداف كه جهت كلی حركت در طی يک برنامه آموزشی را مشخص مي كنند و سبب هماهنگی كليه فعاليت های آموزشی می شوند، معمولا به صورت عبارت هاي كلي و مبهم بيان مي شوند، قابل تفسير بوده و در مقايسه با اهداف اختصاصی يا يا رفتاري تحقق آنها نياز به مدت زمان بيشتری دارد. اين نوع اهداف، به صورت پيامد يادگيری (Learning Outcomes) بيان می شوند و نه به صورت فرايند يادگيری (Learning Process). مجموعه چند هدف اختصاصی است كه يک هدف كلی را شكل می دهد.

مرحله دوم: تحليل آموزشي

- فرايندي كه در طی آن هدف كلی آموزشي به وظايف يا اعمالي كه فراگير بايد انجام دهد و يا معلومات و مهارت هايي كه پس از اجراي آموزش بايد كسب كند، تبديل مي شود، تحليل آموزشی نام دارد. در طی تحليل آموزشی، هدف كلی به اهداف آموزشی اختصاصی و رفتاری تبديل می شوند:
- اهداف مرحله اي: رفتاري كه بايد فراگير ضمن آموزش و قبل از رسيدن به اهداف رفتاری نهايي از خود نشان دهد.
- اهداف رفتاری نهايي: رفتاري كه فراگير پس از پايان دوره آموزشي بايد از خود نشان دهد.
- با تعيين ارتباط بين اهداف كلي و اختصاصی و مرتب كردن اهداف از سطوح يادگيري ساده (اهداف مرحله اي) به سطوح يادگيري مشكل (اهدف نهايي)، می توان اهداف رفتاری مناسب تدوين كرد.

در تدوین اهداف آموزشی سه شکل از ارتباط اهداف با یکدیگر وجود دارد:

- ممکن است ارجحیت یک هدف بر هدف دیگر مهم باشد و قبل از تحقق هدف پایین تر، رسیدن به هدف بالاتر امکان پذیر نباشد (اهداف تسلسلی)
- ممکن است اهداف در يك سطح قرار بگیرند و نسبت به هم تقدم نداشته باشند (اهداف همتراز)
- ممکن است ارتباط اهداف اختصاصی حالت تركيبي داشته باشد و اجزاي هدف رفتاری نهايي را مجموعه اهداف تسلسلي و همتراز تشكيل دهند.

اهداف آموزشی اختصاصی
(Specific Observable Behavior- SOB)

- این نوع اهداف آموزشی که با نام اهداف رفتاری نیز شناخته می شوند، در طراحی یک برنامه آموزشی جایگاه ویژه ای دارند. با توجه به کلی بودن و ابهام معمول در اهداف کلی نوشته شده، امکان استفاده آسان از این نوع اهداف وجود ندارد و به همین دلیل با تقسیم اهداف کلي به اجزاي کوچکتر، شانس دستیابی به آنها افزایش می یابد. این دسته از اهداف آموزشی، دارای جنبه هاي عملي بیشتر بوده و واضح و روشن بیان می شوند و به همین دلیل قابل تعبیر و تفسیر نخواهند بود. اهداف اختصاصی برخلاف اهداف کلي محدودتر، مشخص تر و قابل اندازه گیری هستند و آنچه انتظار داریم در فراگیر پس از یادگیري مطلبي خاص رخ دهد، را مشخص مي کند. اهداف رفتاري، رفتارهاي ویژه اي هستند که فراگیران باید از خود بروز دهند تا مشخص شود یادگیري رخ داده است.

- يك هدف رفتاري داراى سه جزء اصلى **رفتار**، **شرايط** و **معيار** است كه با استفاده از يک فعل رفتارى مشخص و قابل اندازه گيرى نوشته مى شود. رفتار، مهارت يا دانشي است كه فراگير بايد كسب كند، يا عمل و مهارتي است كه قادر يه انجام آن باشد. شرايط مشخص مى كند كه رفتار مورد نظر در چه موقعيتي انجام مى شود يا انجام خواهد شد. معيار نيز حد نصابي است كه بر اساس آن رفتار مورد نظر در فراگير ارزشيابي مي شود، يا سطح مشخصي از يادگيري است كه از قبل مشخص شده است و بايد فراگير به آن دست پيدا كند.

برای تعیین شرایط در یک هدف رفتاری لازم است پاسخ سه سئوال زیر مشخص شود:

- فراگیر در هنگام انجام رفتار یا عملکرد مورد نظر چه وسایل و منابعي در اختيار خواهد داشت؟(امکانات)
- فراگیر در هنگام عملکرد از کاربرد کدام وسایل و منابعي محروم خواهد بود؟(محدودیت ها)
- در کدام شرایط فراگیر به انجام رفتار خواهد پرداخت؟(اوضاع و احوال عملکرد)

برای تعیین معیار در یک هدف رفتاري می توان محورهای زیر را مدنظر قرار داد:

- تعیین محدوده زماني برای انجام رفتار
- تعیین محدوده تعداد پاسخ هاي درست
- درصد یا نسبت مربوط به رفتار
- ویژگي هاي رفتار یا عملکرد مورد نظر

- برای نوشتن اهداف رفتاري لازم است از افعال مشخص، قابل مشاهده و قابل اندازه گيري استفاده كرد. با توجه به حيطه های يادگيری مورد نظر در برنامه آموزشی (كه در سطور آينده توضيح داده خواهد شد) فعل هايي مانند نام بردن، تعريف كردن، طبقه بندي كردن، ساختن، توصيف كردن، تفسير كردن، توضيح دادن، شناسايي كردن، تخمين زدن، ارزيابي كردن، حل كردن و ... كاربرد زيادی دارد.

نمونه اهداف آموزشي در زير آمده است

- **هدف كلي:** آشنايي با ارزشيابي آموزشي
- **اهداف رفتاری:** انتظار می رود با این دوره آموزشي فراگير بدون استفاده از منابع آموزشی و جزوات خود بتواند:
- سه نوع ارزشیابی آموزشی مورد استفاده در برنامه های آموزشی را نام ببرد.
- حداقل سه مورد از مزاياي ارزشيابي آموزشی را نام ببرد.

ویژگی های یک هدف رفتاری

- فراگیر محور هستند: اهداف رفتاري برآنچه كه انتظار مي رود فراگير انجام دهد تاكيد می كنند نه بر آنچه انتظار مي رود فرد آموزش دهنده انجام دهد.
- نتايج و بروندادهاي يادگيري را توصيف مي كنند نه فعاليت هايي كه منجر به نتايج می شوند.
- با وجود یک فعل واضح و روشن در بیان اهداف رفتاری، این نوع اهداف واضح و قابل درك هستند.
- قابل مشاهده و اندازه گیری هستند: استفاده از افعال قابل مشاهده در توصیف و بیان اهداف رفتاری سبب شده است تا این اهداف قابل مشاهده و اندازه گیری باشند.

مزایای استفاده از اهداف رفتاري در فرايند آموزش

- كمك به آموزش دهنده براي انتخاب محتوای آموزشي مناسب
- راهنما براي انتخاب روش های آموزشی مناسب و رسانه هاي آموزشي
- به عنوان راهنما براي انجام ارزشیابی آموزشی
- استفاده از اين اهداف در فرايند خود ارزيابي پيشرفت فراگيران در هر مرحله ازآموزش

اصول تدوین اهداف رفتاری

- رعایت تناسب اهداف با شرایط و امکانات جامعه و نیازهاي آن
- هماهنگی اهداف با شرایط و امکانات فراگیر و نیازهاي او
- واضح و صریح بودن اهداف
- قابلیت اجرا
- انعطاف پذیری
- توجه به تفاوت هاي فردي فراگیران در تعیین اهداف
- هماهنگی بین اهداف نوشته شده
- طبقه بندی اهداف در سه گروه شناختي، عاطفي و رواني حرکتي با توجه به حیطه های یادگیری

نکات ضروری در اهداف رفتاری

- تعيين رفتاري كه فراگير بايد از نظر سطح و نوع عملكرد پس از آموزش بايد از خود نشان دهد.
- مشخص كردن محدوديت هايي كه فراگير حين يادگيري با آنها مواجه است.
- تعيين معيار يا سطح مورد قبول براي يادگيري اهداف(ميزان حداقل يادگيري)
- مرتب كردن اهداف به ترتيب اولويت يادگيري پس از تعيين اهداف آموزشي
- در نظر گرفتن توانايي هاي و دانش ورودي فراگيران قبل از شروع يادگيري

کار گروهی ۱

- با نظر اعضای گروه و از بین نیازهای آموزشی مرتبط با مشکلات سلامت منطقه، سه مورد را انتخاب کنید. تعیین نیازهای آموزشی با شناسایي عوامل رفتاری مرتبط با مشکلات سلامت امکان پذیر است. برای هر سه نیاز آموزشی تعیین شده، اهداف آموزشی کلی و اهداف رفتاری بنویسید. ویژگی های اصلی اهداف رفتاری را در نوشتن آنها رعایت کنید.

طبقه بندي اهداف آموزشي براساس حيطه های یادگیری بلوم

- طبقه بندی اهداف آموزشی در حیطه های مختلف یادگیری به تجربه و تخصص نیاز دارد، زیرا اهداف از نظر ماهیت و نیز درجه سادگی و پیچیدگی در سطوح مختلف قرار می گیرند. برخی از اهداف، نگرش ها، تمایلات و ارزش های فراگیران را دربرمی گیرند، در حالی که برخی دیگر بر ساخت شناختی و یا مهارت های عملی آنان تاکید دارد. اهدافی که کسب اطلاعات و تشکیل عادات ساده را هدفگیری می کنند، ساده و اهدافی که به کسب قدرت تحلیل و یا بررسی ارزش ها در گروه هدف توجه دارند پیچیده خواهند بود. دستیابی به اهداف آموزشی یک برنامه، با مجموعه ای از این حیطه ها سروکار دارد. طبقه بندي که بنیامین بلوم و همکارانش برای اهداف آموزشي معرفی کرده اند، یکی از شناخته شده ترین دسته بندی هاست که در آن سه حیطه یادگیری درنظر گرفته می شود.

اين حيطه ها عبارتند از:

- **حيطه شناختي (Cognitive)**: شامل اهدافي مي شود كه محتواي مربوط به آنها جنبه نظري داشته و يادگيري آنها مستلزم فعاليت هاي ذهني و عقلاني است. مثال: فراگير بتواند مراحل برنامه ريزي آموزشي را توضيح دهد.
- **حيطه عاطفي (Affective)**: مربوط به اهدافي مي شود كه محتواي مربوط به آنها جنبه ايجاد و يا تغيير نگرش، طرز فكر و ارزش ها را دارد. مثال: فراگير بتواند در مباحث علمي از لزوم برنامه ريزي آموزشي در برنامه هاي آموزشی دفاع كند.
- **حيطه رواني حركتي (Psychomotor)**: محتواي مربوط به اهداف اين حيطه، اختصاص به آموزش مهارت ها دارد. مثال: فراگير بتواند براي يك موضوع مشخص سلامت، برنامه ريزي آموزشي انجام دهد.
- برای هر یک از سه حیطه فوق چندین مرحله فرعی تعریف شده است که در سطوح متفاوتی قرار می گیرند و با استفاده از افعال مناسب نوشته می شوند. ترتیب این سطوح از ساده ترین تا پیچیده ترین سطح است و برای رسیدن به هر سطح، لازم است مراحل قبل از آن طی شده باشد.

سطوح مختلف حیطه شناختی

- دانش (Knowledge):
- درک (Comprehension):
- به کاربستن (Application)
- تحلیل (Analysis):
- ترکیب (Synthesis):
- ارزشیابی و قضاوت (Evaluation and Judgment):

دانش (Knowledge)

- کسب یا به خاطر آوردن آنچه فراگیر قبلا آموخته است در این حیطه قرار می گیرد. استفاده از افعالی مانند تعریف می کند، مشخص می کند، بیان می کند، نام می برد، نشاندهنده این سطح است.

درک (Comprehension)

- فهمیدن و دریافت معناي یک مطلب و بیان آن با زبان خود فراگیر مشخصه این سطح است. افعالی مانند توضیح می دهد، برگردان می کند، تمیز می دهد، مثال می زند، استنتاج می کند، بسط می دهد، در این سطح مورد استفاده قرار می گیرد.

به کاربستن (Application)

- توانايي به کار بردن آموخته ها در موقعيت هاي جديد و واقعي.
استفاده از افعالی مانند محاسبه می کند، به کار می برد، تهیه می کند، حل می کند، نمایش می دهد، مربوط به این سطح از حیطه شناختی است.

تحلیل (Analysis)

- قابلیت تفکیک یک مطلب به اجزا تشکیل دهنده آن. در این سطح استفاده از افعالی مانند تجزیه می کند، مشخص می کند، تصویر می کند، طراحی می کند، ارتباط می دهد، انتخاب می کند، تفکیک می کند، معمول است.

ترکیب (Synthesis)

- توانايي قرار دادن اجزا و عناصر جدا شده در کنار هم و تشکیل یک کل جدید. افعال در این سطح عبارتند از: طبقه بندی می کند، ترکیب می کند، خلق می کند، اصلاح می کند، اختراع می کند، طرح می دهد

ارزشیابی و قضاوت
(Evaluation and Judgment)

- توانايي مقايسه و قضاوت درباره مطالب. افعال ارزیابی می کند، مقایسه می کند، نتیجه گیری می کند، انتقاد می کند، اثبات می کند، در این سطح مورد استفاده قرار می گیرند.

سطوح مختلف حیطه عاطفی

- دریافت (Receiving)
- پاسخ دادن (Responding)
- ارزشگذاري (Valuing):
- سازماندهي ارزش ها:
- درونی شدن ارزش ها:

دریافت (Receiving)

- تمایل براي توجه به یک پدیده، محرک یا موضوعات خاص. افعالی مانند گوش می دهد، می پرسد، توصیف می کند، اشاره می کند، قرار می دهد، در این سطح به کار می روند.

پاسخ دادن (Responding)

- مشارکت فعالانه مخاطب و نشان دادن واکنش او نسبت به موضوع مورد نظر. کاربرد افعالی مانند جواب می دهد، کمک می کند، اجرا می کند، تمرین می کند، مطالعه می کند، می گوید، می نویسد، در این سطح است.

ارزشگذاري (Valuing)

- ارزش قائل شدن براي پديده يا موضوع خاص. افعالی مانند تصدیق می کند، کامل می کند، دفاع می کند، سهیم می شود، تشکیل می دهد، ، گزارش می دهد، ویژه این سطح است.

سازماندهي ارزش ها

- جمع بين ارزش هاي مختلف و ساختن یک نظام ارزشی. افعالی چون تعمیم می دهد، ارتباط می دهد، تکمیل می کند، ادغام می کند، سازمان می دهد در این سطح است.

درونی شدن ارزش ها

- بالاترین سطح در حیطه عاطفی است که با تبلور ارزش ها در رفتار و شیوه زندگي فراگیر و حفظ عادات خوب مشخص می شود. در این سطح افعالی مانند رسیدگی می کند، تشخیص می دهد، استفاده می کند، تجدیدنظر می کند، پیگیری می کند، مورد استفاده قرار می گیرد.

سطوح مختلف حیطه روانی حرکتی

- مشاهده (Observation):
- اجراي مستقل (Independent Performance):
- دقت (Accuracy):
- هماهنگي حركات (Coordination of Actions):
- عادي شدن (Normality):

مشاهده (Observation)

- فراگیر رفتاری را که مربی انجام می دهد مشاهده می کند تا بتواند از حرکات و رفتار مربی تقلید کند. افعالی مانند دنبال می کند، الگوبرداری می کند، پیاده می کند، جدا می کند، برای نوشتن اهداف در این سطح کاربرد دارند.

اجراي مستقل
(Independent Performance)

- در این سطح وابستگی به مربی ناچیز بوده و نیازی به کمک مستقیم او نیست، هر چند نظارت و هدایت او تداوم دارد. افعالی مانند اندازه می گیرد، مرتب می کند، قرار می دهد، انجام می دهد، در این سطح مورد استفاده قرار می گیرند.

دقت (Accuracy)

- در این سطح، فراگیر با دقت، سرعت و ظرافت رفتار آموخته شده را انجام می دهد و اشتباهات خود را به حداقل می رساند. استفاده از همان افعال مرحله قبل ولی با بیان مناسب قیدهای سرعت، دقت و یا ظرافت مشخصه این سطح است.

هماهنگي حركات
(Coordination of Actions)

- در اين سطح، بين مجموعه اى از اعمال هماهنگى برقرار مى شود و فراگير توانايي انجام چندين حركت را به طور همزمان دارد.

عادي شدن (Normality)

- بالاترین مرحله یادگیری در حیطه روانی حرکتی است که در آن فراگیر رفتار را به صورت خودکار و بدون نیاز به تفکر و صرف انرژی برای هماهنگ کردن فعالیت ها انجام می دهد. افعالی که بر جنبه ماهرانه انجام یک فعالیت تاکید دارند، در این سطح به کار می روند.

تعيين رفتار ورودي فراگيران و ارزشيابی تشخيصی

- در گروه هدف الزاما معلومات و مهارت هاي موجود از قبل يكسان نيستند و. اطلاع از اين دانسته ها و مهارت ها و طراحی برنامه آموزشی برمبنای آنها می تواند اثربخشی برنامه طراحی شده را بالا ببرد. مجموعه فعاليت هايي كه برای قراردادن فراگير در موقعيتي كه بتواند وارد فرآيند آموزش شود و نيز كشف موانع يادگيري در آنها براي رسيدن به اهداف آموزشي انجام مي شود، ارزشيابی تشخيصی نام دارد.

برخي خصوصيات فراگيران كه مى تواند باعث تفاوت در ميزان يادگيري آنها شود، عبارتند از:

- خصوصيات فيزيكي فراگيران مانند سلامت بدني ذهني عاطفي، هيجانات و فشارهاي روانى و عاطفي
- سن و رشد ذهني فراگير
- انگيزه يادگيري و گرايش فراگير نسبت به موضوع
- ميزان اطلاعات فراگيران از موضوع آموزش

موارد استفاده از ارزشيابي تشخيصي را می توان در موارد زير خلاصه کرد:

- تشخيص فراگيراني که توانايي لازم را براي يادگيري ندارند
- تشخيص فراگيراني که در مطلب مورد نظر مشکل دارند
- تشخيص مشکلات و نقاط ضعف فراگيران در يادگيري

- پيش آزمون نمونه اي از ابزارهای مورد استفاده برای ارزشيابي تشخيصی است و براساس نتايج آن می توان نقطه شروع آموزش و نخستين گام در برنامه آموزشي را مشخص کرد.

روش های مختلفی برای مقابله با نواقص رفتارهاي ورودي فراگيران وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- آموزش فردي و اجراي شيوه هاي آموزش اصلاحی
- مرور رفتارهاي ورودي در کلاس بطور جمعي پيش از شروع به آموزش تازه
- تغيير تکليف يادگيري به اشکال مختلف تا پيش نيازهاي متفاوتي را ايجاب کند.
- تغيير اهداف و محتواي درس که منجر به تغيير رفتارهاي ورودي مورد نياز شود.

کار گروهی ۲

- با توجه به طبقه بندی حیطه های سه گانه یادگیری، مشخص کنید که هر یک از اهداف رفتاری که در کار گروهی قبل نوشته اید در کدام یک از سه گروه شناختی، عاطفی و روانی حرکتی قرار می گیرند؟
- برای یکی از نیازهای آموزشی انتخاب شده در کار گروهی قبل و با در نظر گرفتن سطوح مختلف هر یک از حیطه های یادگیری، اهداف رفتاری بنویسید.

مرحله سوم: انتخاب و سازماندهي محتواي آموزشي

- محتواي آموزشي، اصول و مفاهيمي هستند كه به فراگيران ارائه مي شود تا ورود آنان را به فعاليت هاي آموزشي و نيز رسيدن آنان را به اهداف رفتاری امكان پذير سازد. محتواي يک برنامه آموزشي بر اساس اهداف آموزشي تهيه مي شود و لازم است كليه مطالب و فعاليت هاي موجود در آن با اهداف كلي و رفتاري منطبق باشد.

به طور كلي، محتواي آموزشي حاوي دو نوع موضوع اصلي است:

- موضوعات نظري: شامل حقايق، مفاهيم و دستورالعمل های علمي در تمام زمينه های مرتبط با موضوع
- موضوعات عملي: شامل كليه كارهايي كه فراگير پس از يادگيري قادر به انجام دادن آنها هستند.

در انتخاب و سازماندهي محتواي برنامه هاي آموزش سلامت به اين سئوالات بايد پاسخ داد:

- آيا محتواي آموزشي، اهداف آموزشي را پوشش مي دهد؟
- آيا محتواي آموزشي، با سطح سواد و قدرت يادگيري فراگيران متناسب است؟
- آيا محتواي آموزشي، فراگيران را آماده انجام رفتار يا مهارت مورد نظر مي كند؟
- آيا محتواي آموزشي، با روش ارائه مطالب همخوانی دارد؟

الف- انتخاب محتوای آموزشی

معیارهایي برای انتخاب محتوای آموزشی:

- اهمیت
- اعتبار
- علاقه
- سودمندي
- قابلیت یادگیري
- متناسب بودن با نظام ارزشي
- انعطاف پذیري

اهميت

- محتواي آموزشي بايد داراي درجه بالايي از اهميت باشد. مفاهيم و اصول اساسي، پيام ها مورد تاكيد، آنچه كه مورد انتظار است تا فراگيران ياد گرفته و انجام دهند بايد در محتوا بيان شود. محتوا نبايد صرفا براساس حيطه شناختي تهيه شود بلكه به منظور ايجاد علاقمندي در فراگيران، به حيطه عاطفي نيز توجه كافی داشته باشد.

اعتبار

- محتواي آموزشي بايد داراي اعتبار بر مبناي مدارك و منابع علمي باشد.

علاقه

- در تهيه محتواي آموزشي بايد، علاقه و تمايلات فراگيران نيز مورد توجه قرار گيرد و محتوا بر اين اساس تهيه شود.

سودمندي

- محتواي آموزشي بايد كاربرد مفيدی از نظر فراگيران داشته باشد. به عبارت ديگر، برنامه آموزشي بتواند معلوماتي را كه در زندگي و كار روزانه و آتي فراگير كاربرد را را به او بياموزد.

قابليت يادگيري

- در صورتي كه محتوا براي فراگير قابل يادگيري نباشد، فراگير تنها آن را با تكرار حفظ خواهد كرد و پس از مدتي كوتاه فراموش خواهد كرد. محتوا بايد به طور مناسب سازمان دهي شود تا با ويژگي ها و تجربيات فراگير متناسب باشد و يادگيري موثر باشد.

متناسب بودن با نظام ارزشي

- انتقال محتواي آموزشي كه با نظام ارزشي فراگيران متفاوت يا مغاير باشد، تاثیری نخواهد داشت.

انعطاف پذيري

- در انتخاب محتوا بايد به عواملي مانند زمان، بودجه اختصاص داده شده و ساير منابع در دسترس توجه كافی شود. محدوديت ها در اين موارد می تواند انتخاب محتوا را با مشكل روبرو سازد.

نكات ضروری در تهيه و تدوين محتواي آموزشي

- توجه به ميزان علاقه، رغبت و توانايي فراگيران نسبت به موضوع
- بيان مفاهيم و اصول مرتبط با هر حوزه از دانش
- رعايت توالي مطالب
- توجه به تازگي موضوع
- همخوانی و سازگاری با ارزش ها و فرهنگ حاکم بر فراگيران
- ارتباط محتوای اموزشی با مسائل و مشکلات روز
- انطباق محتوا با زمان اختصاص داده شده برای آموزش
- توجه به محتوای اموزشی به عنوان پايه اي براي آموزش هاي بعدي (آموزش مداوم)

ب - سازماندهي محتواي آموزشي

- توالي درست و ترتيب ارائه مطالب محتوای آموزشی مي تواند دستيابی به اهداف آموزشی را ممکن سازد. وقتی که ابتدا مسايل عيني تر آموزش داده شوند و پس از آن مسائل انتزاعي طرح شود، اين امر موجب ملموس شدن آموزش بر اساس تجربيات و توانايي هاي فراگيران مي شود. از طرف ديگر، هر چه مطالب از مفاهيم ساده تر به مفاهيم پيچيده تر ارائه شود، اثربخشي برنامه آموزشي بيشتر خواهد شد.

اولويت بندي انتخاب محتوا براساس سه دسته مطالب زير مدنظر خواهد بود:

- محتوايي كه فراگير بايد بداند (Must know) :
- محتوايي كه فراگير بهتر است بداند (Better to know) :
- محتوايي كه فراگير خوب است بداند (Nice to know) :

محتوايي كه فراگير بايد بداند (Must know) :

- مانند دانش، نگرش و مهارت هايي كه براي ايجاد رفتار در فراگير لازم و ضروري است.

محتوايي كه فراگير بهتر است بداند (Better to know)

- مانند دانش، نگرش و مهارت هايي كه با ايجاد رفتار در فراگير مرتبط است و دانستن آنها براي انجام رفتار مفيد است اما ضرورت فوري ندارد.

محتوايي كه فراگير خوب است بداند (Nice to know)

- مانند دانش، نگرش و مهارت هايي كه با موضوع مورد بحث مرتبط است اما يادگيري آنها به طور مستقيم براي انجام رفتار ضروري نيست.

مرحله چهارم: تعيين الگوهاي آموزشی و تدریس

- الگو يا مدل، نقشه كلي انجام كاري است كه بنا به مقتضيات و شرايط اجرايي، امكان تغيير در آن وجود دارد. در حوزه آموزش، الگوهای آموزشی چارچوب هایی برای فعالیت های آموزش دهنده و فراگیر و سازماندهی و ارائه مطالب مرتبط با موضوع آموزشی، الگوی آموزش نام دارد.

ويژگي هاي الگوهاي آموزشي

- با استفاده از الگوها، سازماندهی فعاليت ها در برنامه هاي آموزشي امكان پذير خواهد بود.
- الگوها، نحوه صحيح تحليل عوامل آموزشي را ممكن مي سازند.
- با كمک الگوها، ارتباط منطقي بين عوامل مختلف در يک برنامه آموزشی مشخص می شود.
- استفاده از الگوها به شناسايي كمبودها و نقص هاي موجود در برنامه های آموزشي كمک می كند.
- الگوها، كنترل و مديريت برنامه هاي آموزشي را ممكن مي سازند.

برخي از الگوهاي آموزشي و ویژگی های آنها

- نمونه های زیادی از الگوهای آموزشی وجود دارند و ما در این بخش، به سه نمونه از این الگوها که در آموزش و به ویژه تدریس به گروه های هدف کاربرد دارد، می پردازیم:
- **الف) الگوي عمومي تدريس (General Teaching Model):**
- **ب) الگوي پيش سازمان دهنده (Advanced Organizer Model):**
- **ج) الگوي حل مسئله (Problem-solving Model):**

الف) الگوي عمومي تدريس (General Teaching Model)

- این الگو که اولین بار توسط رابرت گلیزر در سال ۱۹۶۱ معرفی شد، قابلیت استفاده در تمام سطوح آموزشي و بسیاری از موضوعات را دارد. الگوی عمومی، فرایند آموزش را به خوبی توصیف می کند و به مدرس در سازماندهی مراحل مختلف این فرایند کمک می کند.

- مرحله اول: تعیین اهداف آموزشی به ویژه اهداف رفتاری
- مرحله دوم: تعيين رفتار ورودي و ارزشيابي تشخيصي
- مرحله سوم: تعیین شیوه ها و رسانه های مورد استفاده در آموزش
- مرحله چهارم: سازماندهي شرايط و موقعيت آموزشي : آماده كردن خود براي آموزش دادن، آماده كردن محيط آموزشي و كسب تجارب لازم براي تدريس
- مرحله پنجم: سنجش و ارزشيابي عملكرد و ميزان يادگيری فراگيران

ب) الگوي پيش سازمان دهنده (Advanced Organizer Model)

- پيش سازمان دهنده مطلب يا مفهومي است كه از طريق آن، مطالب مختلف با نظمي خاص سازمان می يابند و در ذهن فراگير جاي می گيرند. در حقيقت پيش سازمان دهنده، يك مطلب يا مفهوم كلي است كه در آموزش و تدريس به عنوان مقدمه بيان مي شود تا بتوان مبحثي كه قرار است ارائه شود را با مباحث پيشين مربوط سازد. اين الگو موجب مي شود كه فراگير، مباحث را به صورت سازمان يافته در ذهن خود جاي دهد.
- در اين الگو، آموزش دهنده نقش ارائه كننده پيش سازمان دهنده و مباحث جديد را دارد و فراگيران غير فعال هستند. جهت ارتباط در اين الگو از آموزش دهنده به سمت فراگيران است.

مراحل اجرای آموزش براساس الگوی پیش سازماندهنده عبارتند از:

- ارائه پیش سازماندهنده: مطلبی که کلی تر از مطلب یا مطالب درس جدید باشد
- ارائه مفاهیم و مطالب درس جدید
- بیان مثال ها و نمونه هایي برای تفهیم مطالب جدید
- ارائه مناسب مثال های بیان شده برای ارتباط با مفهوم پیش سازماندهنده

- نقش مدرس در الگوی پیش سازماندهنده، ارائه کننده مفاهیم پیش سازماندهنده و مطالب درسی و نقش فراگیران، دریافت کننده و پذیرنده مطالب است. مدرس در این الگو، در تحقق اهداف تدریس نقش فعالانه و قاطع دارد و فراگیر مطالب را دریافت می کند و در جای مناسبی از ساختار شناختی خود قرار می دهد. در این الگو، مدرس برای ارائه مطالب باید مناسب ترین پیش سازماندهنده را انتخاب کند و اطمینان حاصل کند که فراگیران پیش سازماندهنده را فهمیده اند و قادر هستند آن را با مطالب بعدی ارتباط دهند.
- اطلاعات و معلومات از مدرس به فراگیر منتقل می گردد، امکان کشف مطالب نو برای فراگیران محدود می شود،

- فراگیران برای بحث و تبادل نظر درباره مطالب ارائه شده کمتر مجال پیدا می کنند و مدرس با فرد فرد فراگیران ارتباط یکطرفه دارد، در حالی که فراگیران با او و یکدیگر ارتباطی ندارند.
- در این الگو، تنها منابع و شرایط آموزشی شامل مدرس، کتاب و کلاس درس است و شرط اصلی یادگیری در این الگو، وجود مدرسی است مسلط به موضوع و آشنا به الگوی پیش سازماندهنده که بتواند مطالب را با سلسله مراتب مشخص و از کلی به جزیي ارائه کند و در جای مناسب ساختار ذهنی فراگیر قرار دهد.

ج) الگوي حل مسئله (Problem-solving Model)

- در اين الگو برخلاف الگوي پيش سازمان دهنده، فراگيران نقش فعال دارند و آموزش دهنده نقش راهنما را به عهده دارد. بدين معنا كه آموزش دهنده به عنوان منبع اطلاعات محسوب نمي شود و به جاي اينكه دانش و اطلاعات علمي را به فراگيران منتقل كند، تنها روش كسب اطلاعات را به فراگيران مي آموزد.

مراحل اجراي آموزش براساس الگوي حل مسئله عبارتند از:

- طرح مسئله
- جمع آوري اطلاعات توسط فراگير و با راهنمايي آموزش دهنده
- ساختن فرضيه و پيش بيني راه حل هاي احتمالي و فرضي
- آزمون فرضيه مطرح شده توسط فراگير
- نتيجه گيري، تعميم و كاربرد نتايج

- در این الگو، انتخاب مساله مناسب برای شروع آموزش بسیار اهمیت دارد. مساله ای که به اندازه کافی برای فراگیران جذاب و برانگیزاننده باشد و با خصوصیات فراگیران از نظر زمانی، مکانی و محتوایی تناسب داشته باشد. پس شناخت درست گروه هدف اساس کار در این الگوی آموزشی است.
- در الگوی حل مساله، مدرس نقش راهنما را در فرآیند آموزش برعهده دارد و فراگیران فعال، جستجوگر، توانا، علاقمند و شریک برنامه و ارتباط دوجانبه و صمیمانه بین فراگیران و آموزش دهنده، شرط موفقیت و دستیابی به اهداف آموزشی خواهد بود. در این الگو، فراگیران با یکدیگر و با مدرس ارتباط دو جانبه به شکل فردی و گروهی دارند و تلاش همراه با اشتیاق و علاقه در جهت حل مساله و در صورت لزوم کمک گرفتن از مدرس، و ارتباط براساس احترام و محبت متقابل وجود دارد.
- در این الگو، کتاب و محتوای آموزشی ارائه شده توسط آموزش دهنده، تنها منابع آموزشی نخواهند بود و نیروی انسانی، کتابخانه، مرکز اینترنت، فیلم و حتی محیط های واقعی منابع دریافت اطلاعات هستند. به همین دلیل ممکن است اکثر فعالیت های آموزشی در خارج از مکان رسمی آموزش انجام شود.

مرحله پنجم: انتخاب روش ها و شیوه های آموزشی

- با وجودی که پیش از این روش (Method) را راه نظام مند و منطقی برای ارائه محتوای آموزشی و شیوه (Technique) را راه به کارگیری مهارت های اساسی یا نحوه انجام ماهرانه روش آموزشی تعریف می کنند و شیوه ها را زیرمجموعه ای از روش ها می دانستند، ولی در منابع جدید، بین روش و شیوه آموزشی تفکیک قائل نمی شوند و آنها را تحت یک تعریف قرار می دهند.
- در تعیین و انتخاب روش ها و شیوه های آموزشي باید به نکات مهمی توجه کرد. ویژگي هاي دموگرافیک گروه هدف مانند سن، جنس، سطح تحصیلات، محل سکونت، ویژگي هاي مکاني، محدودیت زماني، توجه به امکانات موجود شامل ابزار و وسایل مورد نیاز برای آموزش، شرایط فرهنگي حاکم بر گروه هدف و محیط آموزش و بالاخره اهمیت مساله، شدت و گستردگي مربوط به آن، همه در تعیین روش های آموزشی دخالت دارند.

عوامل موثر بر انتخاب روش هاي آموزشی:

- اهداف آموزشي:
- محتوای آموزشی
- آموزش دهنده
- فراگير
- نيازهاي عملي

اهداف آموزشي

- اگر هدف از آموزش انتقال مطالب به گروه هدف یا سایر سطوح شناختی باشد، استفاده از روش توضيحي مانند سخنراني و یا بهره گیری از رسانه های چاپي، و یا رسانه های دیداری شنیداری کمک کننده خواهد بود. برای اهداف مهارتی، روش های نمایش عملي، ایفاي نقش و پروژه عملی و برای اهداف حیطه عاطفی، از روش هايي مانند بحث گروهي، پرسش و پاسخ یا حضور در فیلد و نیز استفاده از رسانه های دیداری شنیداری می توان استفاده کرد.

محتوای آموزشی

آموزش دهنده

- مهارت و تجربه آموزش دهنده در استفاده از روش و ابزارهاي آموزشي نقش مهمی دارد.

فراگیر

- میزان تجربه، سواد و تعداد فراگیران در تعیین روش آموزشی موثر است به طوری که براي فراگيران باتجربه تر استفاده از روش هاي فراگیر محور مانند ايفاي نقش و بحث گروهي و براي فراگيران کم تجربه تر روش هاي مدرس محورمانند سخنراني پيشنهاد می شود.

نيازهاي عملي

- قابليت اجرا با توجه به محيط فيزيكي وسايل و ابزارهاي آموزشي و زمان می تواند نوع مناسب روش های آموزشی را تعیین کند.

انواع روش هاي آموزشي

- در اجراي برنامه هاي آموزش سلامت، طيف وسيعي از روش ها و شيوه های آموزشي مورد استفاده قرار مي گيرد كه براساس محورهای مختلفی دسته بندی می شوند. یک دسته بندي كلي آنها به شرح زير است:
- الف) روش های آموزش فردي: مانند آموزش چهره به چهره و مشاوره
- ب) روش های آموزش گروهي
- ج) روش های آموزش به جوامع (Communities):

الف) روش های آموزش فردي

- مانند آموزش چهره به چهره و مشاوره

ب) روش های آموزش گروهي

- سخنراني، بحث گروهي، ايفاي نقش، نمايش عملي، كارگاه، سمينارها و ...

ج) روش های آموزش به جوامع (Communities):

- با هدف توانمند سازي جامعه براي دستيابي به مهارت هاي لازم كه در آن به مشاركت جامعه در آموزش به ويژه درگير كردن رهبران عقيدتي جوامع در برنامه های آموزشی، توجه به نقش سازمان هاي محلي و مردم نهاد و تلاش برای تشکیل کارگروه های مشورتی و اجرايي، و طراحی و اجرای بسيج هاي آموزشي و ارتباطي توجه می شود.

نوع دیگر دسته بندی روش ها و شیوه های آموزشی قرار دادن آنها در دو گروه تعلیمی و مشارکتی است:

- روش های تعلیمی: حفظ و تکرار، سخنرانی، خودآموزها، رسانه های آموزشی
- روش های مشارکتی: پرسش و پاسخ، نمایش عملی، ایفای نقش، بحث گروهی، حضور در فیلد

کار گروهی۳

- برای اهداف آموزشی که در کار گروهی قبل تدوین کردید، محتوای آموزشی تهیه کنید. ویژگی های زیر را مورد توجه قرار دهید:
- توجه به میزان علاقه، رغبت و توانايي فراگيران نسبت به موضوع
- بیان مفاهیم و اصول مرتبط با هر حوزه از دانش
- رعايت توالي مطالب
- توجه به تازگي موضوع
- همخوانی و سازگاری با ارزش ها و فرهنگ حاکم بر فراگیران
- ارتباط محتوای اموزشی با مسائل و مشکلات روز
- انطباق محتوا با زمان اختصاص داده شده برای آموزش
- توجه به محتوای اموزشی به عنوان پایه اي براي آموزش هاي بعدي (آموزش مداوم)
- پس از تهیه محتوای آموزشی درباره پاسخ سئوالات زیر در گروه بحث کنید:
- آيا محتواي آموزشي، اهداف آموزشي را پوشش مي دهد؟
- آيا محتواي آموزشي، با سطح سواد و قدرت يادگيري فراگيران متناسب است؟
- آيا محتواي آموزشي، فراگيران را آماده انجام رفتار يا مهارت مورد نظر مي كند؟
- آيا محتواي آموزشي، با روش ارائه مطالب همخوانی دارد؟

طرح درس (Lesson Plan)

- نقشه كلي و راهنما براي هدايت فعاليت هاي آموزشي به شمار می رود و شامل پيش بيني و تنظيم مجموعه فعاليت هايي است كه آموزش دهنده از قبل براي رسيدن به يك يا چند هدف آموزشي تدارك مي بيند. مزيت طرح درس اين است كه آموزش دهنده فعاليت هاي ضروري آموزشي را به ترتيب و يكي پس از ديگري در مراحل و زمان هاي مشخص و به شيوه اي منطقي پيش مي برد.
- طرح درس به عنوان نقشه ای برای اجرای آموزش، باید انعطاف داشته باشد تا درصورت بروز مشکلی خاص در طی فرآیند آموزش، طرح موضوعات جديد يا تفاوت در نيازهاي فراگيران، تغيير كند.

اجزاي ضروری در يك طرح درس

- اهداف آموزشی
- رئوس مطالب (Content Outline)
- روش هاي آموزشي مورد استفاده در آموزش
- برآورد زمانی
- روش ارزشيابي
- تكاليف فراگيران (Participant Assignments)
- منابع آموزشي مورد نياز: شامل مواد و وسايل آموزشي و تسهيلات و امكانات است.

اهداف آموزشی

- تدوین اهداف آموزشی کلی و رفتاری، با درنظرگرفتن شرایط و امکانات و متناسب با سطوح مختلف حیطه یادگیري انجام می شود و این اهداف از ساده به مشکل تنظیم شوند.

رئوس مطالب (Content Outline)

- شامل اطلاعاتي است كه تدريس خواهد شد و بايد به طور مستقيم از اهداف گرفته شود.

روش هاي آموزشي مورد استفاده در آموزش

برآورد زمانی (Time Estimation)

- براساس ميزان مطالب آموزشي براي هر عنوان و روش انتخاب شده

منابع آموزشي مورد نياز

- شامل مواد و وسايل آموزشي و تسهيلات و امكانات است.

تكاليف فراگيران (Participant Assignments)

- فعاليت ها و تكاليف كه فراگيران براي يادگيري و رسيدن به اهداف آموزشي بايد انجام دهند.

روش ارزشيابي

- تعيين تكنيك، روش و وسيله ارزشيابي فراگيران براي رسيدن به اهداف آموزشي، مانند طرح سوال، اجراي آزمون، مشاهده مستقيم عملكرد

- معمولا طرح درس توسط آموزش دهنده ای که برای یک دوره آموزشي برنامه ريزي مي كند، آموزش دهنده ديگري كه در تدريس دوره آموزشي همكاري دارد و يا توسط شخصي كه ممكن است دوره آموزشي را برای آموزش به فراگیران و در جای ديگري طراحي كند، نوشته می شود. نمونه ساده ای از فرم مربوط به یک طرح درس در صفحه بعد ارائه شده است.

فرم طرح درس

عنوان دوره:

گروه هدف:

عنوان درس:

تاریخ ارائه:

هدف کلی:

اهداف رفتاری:

انتظار می رود در پایان این درس، فراگیر بتواند:

۱-

۲-

۳-

رئوس کلی مطالب	روش آموزش	برآورد زمانی	منابع موردنیاز

تکالیف فراگیر:

روش ارزشیابی:

کار گروهی ۴

- براساس موضوع انتخاب شده در کارهای گروهی قبل، اهداف آموزشی نوشته شده و محتوای آموزشی، طرح درسی برای یک گروه هدف مناسب بنویسید. از این که در طرح درس شما کلیه اجزای طرح درس رعایت شده باشد اطمینان حاصل کنید.

معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بابل
واحد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
babolamozesh@gmail.com 01132368443